

بررسی و نقد ترجمه دعای ابوحمزه ثمالی بر اساس الگوی گارسس در سطح نحوی-واژه ساختی (صرفی) (مطالعه موردی: قمی و انصاریان)

سودابه مظفری^۱
خدیجه حبشی^۲
عاطفه یآوری پور^۳

چکیده

دعای ابوحمزه ثمالی از زیباترین دعاهاى امام سجاد و دیگر پیشوایان معصوم علیهم السلام به شمار می‌رود. این دعا ترجمه‌های بسیاری به فارسی دارد، اما تاکنون الگوی دقیق و جامعی برای ارزیابی ترجمه‌های آن طراحی نشده است و برای این هدف می‌بایست الگویی موثق و کارآمد را انتخاب کرد. در همین راستا، مقاله حاضر به بررسی کارآمدی الگوی گارسس در ارزیابی ترجمه دعای ابوحمزه ثمالی پرداخته و از میان چهار سطح، سطح نحوی-واژه ساختی (صرفی) این الگو را مورد مطالعه قرار داده است. از جمله ترجمه‌های رایج دعای ابوحمزه ثمالی، ترجمه انصاریان و شیخ عباس قمی است که در این پژوهش با استناد به نظریه کارمن گارسس در سطح نحوی-واژه ساختی، دو ترجمه مذکور بررسی و نقد شده است. و انتظار می‌رود پژوهش به این نتیجه دست یابد که از میان مؤلفه‌های این سطح، «تغییر نحو، تغییر دیدگاه، بسط نحوی و جبران» بیش‌ترین کارکرد را در ترجمه دعاها دارند و از مؤلفه‌های مثبت این نظریه به شمار می‌روند. مؤلفه‌های منفی «ترجمه تحت اللفظی و تلویح، تقلیل و حذف» و مؤلفه خنثی «تغییر نوع جمله» می‌باشد.

واژگان کلیدی: امام سجاد علیه السلام، دعای ابوحمزه ثمالی، ترجمه قمی و انصاریان، الگوی گارسس، سطح نحوی-واژه ساختی (صرفی).

-
- ۱- دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه خوارزمی تهران، نویسنده مسئول mozaffari_arabic@yahoo.com
۲- دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه خوارزمی تهران mg4030@gmail.com
۳- دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه خوارزمی تهران atefe.yavari2013@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۳

مقدمه

متون دینی و به ویژه متن قرآن و دعاها ی نورانی به دلیل ویژگی‌های زبانی خاص آن‌ها، حیطة حساسی دارد و ترجمه آن‌ها باید در چارچوبی دقیق و علمی انجام گیرد. در حوزه مطالعات ترجمه، روش‌هایی مختلف برای ارزیابی ارایه شده است که با مطالعه این روش‌ها و الگوها و بررسی چگونگی کارآمدی آن‌ها در ارزیابی ترجمه بین زبان‌های فارسی و عربی می‌توان الگویی خاص برای ارزیابی ترجمه طراحی کرد؛ زیرا ترجمه پل ارتباطی میان متکلم و مخاطب است و باید به بهترین نحو در اختیار مخاطب قرار گیرد. امروزه مطالعات ترجمه به عنوان یک شاخه علمی میان رشته ای مطرح است که محدود به بررسی صحیح و غلط بودن یک ترجمه نیست. از این رو، نقد ترجمه به عنوان یک زمینه پر کاربرد مطالعات ترجمه در تمامی زمینه‌های متنی و فرا ادبی یک اثر ترجمه ای فعالیت می‌کند. (بابازاده اقدم و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۸۰) علاوه براین، متون مختلف اعم از ادبی، داستانی، دینی و جز آن‌ها از دیرباز تاکنون مورد توجه صاحب نظران عرصه ادبیات و نقد ادبی بوده است. در این میان عده ای با نگاه انتقادی به این متون ترجمه شده نگرسته و به دنبال استخراج معایب و محاسن آن برآمده اند. ابزار این نگاه انتقادی در ابتدا مسایل ذوقی و سلیقه ای بوده است، اما اخیراً صاحب نظران به دنبال آن هستند که متخصصان ترجمه و نقد ترجمه را متوجه این نکته سازند که ارزش یک ترجمه خوب، آن است که از زاویه دید یک نظریه علمی اثبات شده در حوزه ترجمه به آن نگرسته شود. یکی از نظریه‌های ترجمه جدید که اخیراً ارایه شده و تا حدودی در مجامع علمی برای خود عرصه ای باز کرده، نظریه ترجمه کارمن گارسس (۱۹۹۴) است که یکی از مهم ترین نظریات زبان شناسی در راستای ارزشیابی سطح کیفی ترجمه‌ها به شمار می‌رود و به تحلیل کیفی متون ترجمه ادبی می‌پردازد (مهدی پور و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳). پژوهش حاضر به دنبال آن است که شاهد مثال‌ها از نظر دارا بودن این ویژگی‌ها بررسی شده و مطابق الگوی گارسس با تکیه بر سطح صرفی- نحوی، ترجمه‌های انصاریان و قمی را با انتخاب موردی فزاینده‌ای از دعای ابوحمزه ثمالی تحلیل نماید و میزان موفقیت هر کدام از ترجمه‌ها را استخراج کند و در پایان به این نتیجه برسد که نظریه گارسس بر ترجمه قمی و انصاریان قابلیت تطبیق دارد یا خیر؛ بدیهی است که کاربرست سایر سطوح به دلیل گستردگی آن، در این مقاله نمی‌گنجد و فرصت دیگری را می‌طلبد.

دعاهای اهل بیت علیهم‌السلام ذخایر عظیم و گرانبها فرهنگ شیعه است که نگاه عوام به آن، صرفاً خواندن و تکرار کردن است و از فهم و درک آن غافل مانده و خواص نیز به بسط و تبیین جنبه‌های مختلف ادعیه به عنوان یکی از عمیق ترین منابع معارف الهی نپرداخته اند. در میان دعاهایی که بسیار مورد عنایت شیعیان بوده و جایگاهی ویژه در میان مسلمانان یافته، دعای ابوحمزه ثمالی است که در این مجمل بر آن شدم تا ترجمه‌های

انصاریان و قمی را در فرازهایی از دعای پر فیض ابوحمزه ثمالی با تکیه بر سطح نحوی-واژه ساختی (صرفی) نظریه گارسس بررسی نماییم.

۱. ادبیات نظری پژوهش

۱-۱. پیشینه پژوهش

در ارتباط با نقد و بررسی ترجمه‌های دعاها، مناجات‌های اهل بیت علیهم‌السلام، نهج البلاغه و سوره‌های مختلف قرآن کریم طبق سطح صرفی-نحوی پژوهش‌هایی فراوان انجام پذیرفته است، اما در حوزه دعا به ویژه دعای ابوحمزه ثمالی بر اساس مدل صرف و نحوی کارمن گارسس این پژوهش را می‌توان نخستین تلاش در این زمینه دانست.

برخی از پژوهش‌ها در این زمینه از این قرار است:

الف- مقالات

۱- حجت الله فسنگری و راضیه کارآمد، «سبک شناسی لایه واژگانی دعای ابوحمزه ثمالی»، سراج منیر، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۵، زمستان، شماره ۲۵، صص ۵۳-۷۲. این مقاله دلیل‌گزینش برخی از واژگان از جانب امام سجاد علیه‌السلام را توضیح می‌دهد. بررسی معنای واژگان و ذکر تفاوت آن‌ها با واژه‌های مشابه می‌تواند علت و دلیل‌گزینش آن‌ها را از سوی امام علیه‌السلام برای ما روشن سازد و به این باور برساند که شکل و موقعیت واژگان در مناسب‌ترین وضعیت خود قرار دارد. در این مقاله واژه‌هایی بررسی شده که برای خواننده یا شنونده ممکن است در ابتدا مبهم باشد و با بررسی این واژه‌ها این نتیجه به دست آمده که انتخاب واژه مورد نظر بهترین کاربرد آن است.

۲- محمد رحیمی خویگانی، «نقد واژگانی ترجمه موسوی گرمارودی از قرآن کریم با تکیه بر سطح معنایی- لغوی گارسس»، مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۶، بهار و تابستان، شماره ۷، صص ۶۹-۹۴. نویسنده واژگان ترجمه گرمارودی از قرآن کریم را از منظر مولفه‌های نظریه گارسس بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که بسیاری از تکنیک‌های موجود در سطح اول گارسس در ترجمه گرمارودی وجود دارد.

۳- مسعود اقبالی و ابراهیم نامداری، «نقد و بررسی ترجمه الهی قمشه ای و مکارم شیرازی از سوره مبارکه یوسف علیه‌السلام با تأکید بر نظریه سطح صرفی-نحوی گارسس»، پژوهش‌های زبان شناختی قرآن، دانشگاه اصفهان، ۱۳۹۷، پاییز و زمستان، دوره ۷، شماره ۲ (پیاپی ۱۴)، صص ۱۳۷-۱۵۴. در این پژوهش با استناد به مؤلفه‌های نظریه کارمن گارسس در سطح صرفی-نحوی دو ترجمه ذکر شده بررسی و نقد شده است و برای این

منظور مؤلفه‌های کاربستی این نظریه بر شواهد مستخرج از آیات سوره یوسف ع.ق صرفاً در سطح صرفی - نحوی تبیین گشته و جنبه‌های ضعف و قوت ترجمه‌های مذکور تحلیل شده است.

۴- عسگر بابازاده اقدام و همکاران، «تغییر بیان در سطح دستوری و واژگانی براساس مدل کارمن گارسس (مطالعه موردی ترجمه‌های حداد عادل، معزی و انصاریان جزء ۲۹ و ۳۰ قرآن کریم)»، پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۸، پاییز و زمستان، سال نهم، شماره ۲۱، صص ۲۷۹-۳۰۶. مهم ترین یافته‌های این پژوهش، یکی آن است که طبق الگوی گارسس تنها ترجمه معزی به صورت یک به یک است، دوم آن که ترجمه انصاریان و حداد عادل تنها به صورت توضیح و بسط معنا است و در بقیه موارد هر سه مترجم طبق الگو پیش رفته اند.

۵- شهریار نیازی و انسیه سادات هاشمی، «بررسی میزان کارآمدی سطح نحوی-واژه ساختی الگوی گارسس در ارزیابی ترجمه قرآن (مطالعه موردی ترجمه مکارم شیرازی ۵ سوره از قرآن کریم)»، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۸، پاییز و زمستان، سال نهم، شماره ۲۱، صص ۹۵-۱۲۸. این مقاله به بررسی کارآمدی الگوی گارسس در ارزیابی ترجمه قرآن پرداخته و از میان چهار سطح الگوی گارسس سطح نحوی-واژه ساختی را مورد مطالعه قرار داده است، ترجمه مکارم شیرازی در این دیدگاه با الگوی مذکور هم راستا است. داده‌های ترجمه را سوره‌های انفال، توبه، احزاب، حجرات و تحریم تشکیل می‌دهند که فضای گفتمانی مشابهی دارند و به تاریخ اسلام مربوط می‌شود، این پژوهش نشان می‌دهد که سطح نحوی-واژه ساختی الگوی گارسس با توجه به تفاوت‌های ساختاری فارسی و عربی و ضرورت ایجاد تغییرات نحوی در ترجمه قرآن در ارزیابی آن کارآمد است. از میان مؤلفه‌های این سطح، تغییر نحو، تغییر مقوله و بسط معنایی بیش‌ترین کارکرد را در ترجمه قرآن دارد.

۲-۱. پرسش‌های پژوهش

۱. آیا ترجمه‌های قمی و انصاریان از دعای ابوحمزه ثمالی با مدل گارسس تطابق دارد؟
۲. آیا با توجه به سطح دوم گارسس در ترجمه‌های مذکور اشتباه رخ داده است؟

۳-۱. فرضیه‌های پژوهش

- ۱- در مجموع می‌توان گفت که در ترجمه‌های انصاریان و قمی در برخی از بخش‌های دعا این تطابق وجود ندارد.
- ۲- با بررسی و ارزیابی این دو ترجمه چنین برداشت می‌شود که درصد اشتباهات هر دو ترجمه به میزان اندک است.

۴-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

با وجود ترجمه‌های بسیاری که برای دعای ابوحمزه ثمالی انجام گرفته، اما این ترجمه‌ها بدون استناد و تکیه بر الگوی جامع و علمی مشخصی انجام شده است؛ لذا پرداختن به ارزیابی و تحلیل این ترجمه‌ها براساس الگوی نوین مورد پذیرش جامعه ادبی-علمی ضروری به نظر می‌رسد. پژوهش حاضر به بررسی میزان کارآمدی الگوی گارسس در ترجمه این دعا پرداخته تا ترجمه‌ای مشخص و هماهنگ با ویژگی‌های خاص دعا ارائه دهد.

۴-۱-۵. روش پژوهش

الگوی نقد ترجمه کارمن گارسس از مهم‌ترین نظریات در حوزه زبان شناختی به شمار می‌رود که رویکرد آن تحلیل کیفی متون ترجمه شده ادبی در چهار حوزه واژگانی، نحوی، صرفی و آوایی است. پژوهش حاضر در چارچوب روش توصیفی-تحلیلی به نقد و بررسی دو ترجمه از معروف‌ترین و در دسترس‌ترین ترجمه‌های دعای ابوحمزه، یعنی دو ترجمه شیخ عباس قمی و حسین انصاریان بر اساس الگوی نقد ترجمه گارسس در دو سطح نحوی-واژه ساختی (صرفی) می‌پردازد.

۲. دعای ابوحمزه ثمالی

از آن‌جا که عقل بشر به طور مستقل قدرت درک ماهیت تمام عبادات و چگونگی انجام آن‌ها را ندارد، شایسته است در این حوزه به روایات و احادیث و دعاهای نقل شده از معصومین علیهم‌السلام رجوع کند، از جمله دعاهایی که شیعیان به آن اعتقاد ویژه دارند، دعای ابوحمزه ثمالی از امام سجاد علیه‌السلام است که علاوه بر فراگیری مباحث توحیدی، بار معنوی و آرام بخش و مؤثری را در وجود خواننده پدید می‌آورد و هم‌چنین زمان خواندن آن، یعنی سحرگاه ماه مبارک رمضان خود بر عظمت آن گواهی می‌دهد.

زندگی امام سجاد علیه‌السلام هم‌زمان با دوران سخت و آکنده از خفقان اموی بود و تنها سلاح برنده ایشان در برابر سیل هجوم ظلم آنان، دعا و مناجات بود، بنابراین امام علیه‌السلام ضمن دعا، عالی‌ترین معارف بشری را بیان می‌کند. مهم‌ترین محورهای این دعا از این قرار است:

بخش اول: شناسایی، تحمید، تقدیس و سپاس خدای تعالی (معرفت الهی)؛

بخش دوم: اقرار به گناه و طلب عفو، ذکر نعمت‌ها و خواستن خیر دنیا و آخرت (راه سعادت و نجات)؛

بخش سوم: ذکر بعضی از صفات خداوند متعال، از قهر و انتقام، عفو و بخشش، حلم و بردباری، جود و

کرم، و فضل و رحمت. (زمردیان شیرازی، ۱۳۸۵: ۲۰۱)

زمردیان درباره این دعا می‌نویسد: «شاید بتوان چنین ادعا کرد که این بیانات مجموعه کامل از نکات برجسته در اصول عقاید و معارف الهی بوده که نسخه ثانی و یا ثالث از قرآن مجید است. در بزرگی و کمال و

معرفت ابوحمزه همین بس که برای تعلیم گرفتن این دعا، حضرت سجاد علیه السلام او را شایسته دانسته و این افتخار بزرگ نصیب وی گشته است" (همان).

۳. الگوی گارسس در ارزیابی ترجمه متون ادبی

کارمن والرو گارسس^۱ متولد (۱۹۵۸م) در اسپانیا، استاد تمام دانشگاه آکالا در شهر مادرید و دارای دکترای مطالعات زبان انگلیسی و عضو انجمن زبان شناسی کاربردی اسپانیا است. (فرهادی، ۱۳۹۲: ۳۴) الگوی گارسس، الگویی جدید و جامع است که برای ارزیابی ترجمه ادبی به کار برده می‌شود تا ناقد ترجمه، گزینه‌های مترجم اعم از تنگناها و آزادی‌ها را بشناسد و از اظهارنظرهای مغرضانه، طرفدارانه، غیرمنطقی پرهیزد (مختاری اردکانی، ۱۳۸۶: ۳۹-۴۰).

الگوی گارسس براساس اصل برابری میان متن مبدأ و مقصد استوار است، از نظر وی متن مبدأ و مقصد در چهار سطح می‌بایست تا حد امکان باید برابری داشته باشند. (رحیمی خویگانی، ۱۳۹۶: ۷۲) این سطوح به گفته او گاهی با هم تداخل دارند. این چهار سطح به ترتیب از این قرار است:

۱- سطح معنایی-لفوی، ۲- سطح نحوی-واژه ساختی، ۳- سطح گفتمانی-کارکردی، ۴- سطح سبکی-عملی. (Garces, 1994: 79). در این الگو که به طور ریشه ای به ارزیابی کیفیت ترجمه می‌پردازد، ویژگی‌های ترجمه ای برای یک ترجمه خوب ارایه شده که بدیهی است بررسی تمامی سطوح در این مقاله نمی‌گنجد، از این رو پژوهش حاضر تنها به سطح نحوی-واژه ساختی (صرفی) در دو ترجمه برگزیده دعای ابوحمزه ثمالی می‌پردازد. در الگوی گارسس، ترجمه‌ها از منظر دو معیار مقبولیت و کفایت مورد ارزیابی قرار گرفته و ویژگی‌های منفی و مثبتی نیز در این الگو به منظور ارایه ترجمه ای مناسب، هم از لحاظ انطباق عناصر دستوری دو زبان مبدأ و مقصد در رساندن پیام مورد نظر و هم از جهت میزان پذیرش از سوی خوانندگان متن مقصد بیان شده است. (رشیدی و فرزانه، ۱۳۹۲: ۴۲-۵۶). در واقع کفایت و مقبولیت به این معنا است که در این جا نه تنها در جست و جوی عناصر زبانی هستیم، بلکه تأثیر سیستم زبان مبدأ بر زبان مقصد و میزان پذیرش ترجمه از سوی خوانندگان متن مبدأ باید مورد توجه قرار گیرد. (صیادانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۴) از این جهت، برخی ویژگی‌های منفی و مثبت که برای ارزیابی و تعیین میزان کیفیت ترجمه‌ها در مدل گارسس بیان شده است، در جدول (۱) نشان داده می‌شود و مطابق آن، ترجمه دو مترجم نقد وارزیابی و میزان ضعف و قوت ترجمه ایشان براساس این ویژگی‌ها ارایه می‌گردد.

1. Carmen Valero Garces.

جدول (۱): ویژگی‌های مثبت و منفی نشان دهنده کیفیت ترجمه در سطوح مختلف مدل گارسس (۱۹۹۴)

ویژگی مثبت	ویژگی‌های منفی
معادل فرهنگی	انتقال ابهام
همانند سازی	ساده کردن ترجمه
بسط نحوی	ترجمه تحت اللفظی
جبران	نارسایی در مفهوم معادل‌ها
تغییر نحو یا صورت	تغییر لحن
تغییر دیدگاه یا بیان	قبض نحوی یا کاهش
توضیح	تصرف در متن مبدأ
حذف	تغییر در ساخت درونی متن مبدأ
تغییر در نوع جمله	ترجمه قرضی یا گرتته برداری

۱-۳. بررسی سطح نحوی-واژه ساختی

گارسس در توضیح سطح دوم الگوی خود می‌گوید: سیستم‌های زبانی از نظر آوایی، دستوری و واژگانی با هم متفاوت هستند. مترجم باید آن عناصر نحوی را که نمی‌تواند براساس تطابق یک به یک نحوی ترجمه کند، هماهنگ سازد. او باید سبک مؤلف و هم‌چنین سیستم زبان مقصد را در نظر بگیرد. روش‌های ذکر شده در این سطح، توضیحاتی مهم را در مورد مشکلات مترجمان ارائه می‌دهد. (Garces, 1994: 80). گارسس هر سطح را به مؤلفه‌هایی تقسیم می‌کند. در جدول (۲) تقسیم مؤلفه‌های سطح دوم آمده است.

جدول (۲): سطح دوم الگوی گارسس

۱- تحت اللفظی
۲- دستور گردانی
۳- تغییر دیدگاه یا دگربینی
۴- جبران
۵- توضیح و بسط معنا
۶- تلویح-تقلیل-حذف
۷- تغییر در نوع جمله

از آن جا که بررسی و تحلیل دعای ابوحمزه ثمالی براساس چهار سطح الگوی گارسس در محدوده یک مقاله نمی‌گنجد لذا تنها به بررسی و تحلیل دو سطح نحوی - واژه ساختی (صرفی) ترجمه‌ها بسنده می‌شود.

۱-۱-۳. ترجمه تحت اللفظی

در ترجمه تحت اللفظی، عناصر سازنده جمله در زبان مبدأ با معادل‌های معنایی خود در زبان مقصد جایگزین می‌شود. در این حالت، ساختار نحوی جمله در زبان مبدأ در قالب زبان مقصد آشکار می‌شود (حقانی، ۱۳۸۶: ۱۵۲).

نیومارک ترجمه تحت اللفظی واژه به واژه، استعاره به استعاره، عبارت به عبارت، شبه جمله به شبه جمله و حتی ضرب المثل به ضرب المثل را مطلوب می‌داند، اما گارسس معتقد است که زمانی که این روش از حد واژه فراتر رود رفته رفته کار مشکل تر می‌شود (متقی زاده و نقی زاده، ۱۳۹۶: ۱۷۹).

از نظر گارسس ترجمه تحت اللفظی به دلیل ارتباط ضعیف با زبان مقصد از ویژگی‌های منفی ترجمه به حساب می‌آید (Garces, 1994: 81). در این روش هدف اصلی مترجم، حفظ امانت است و تلاش می‌کند تا نکته ای در ترجمه اضافه یا کم نگردد. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

- «الْقَيْتَ عَلَيَّ نُعَاسًا إِذَا أَنَا صَلَّيْتُ».

"چرتی بر من افکندی آن‌گاه که وارد نماز شدم." (قمی، ۱۳۷۵: ۳۱۳، انصاریان، بی تا: www.erfan.ir)

* در این فراز واژه «نُعَاسًا» کنایه از خواب سنگین است و شیء سنگینی که روی انسان افتاده است، اما

مترجم‌ها فقط به معنای تحت اللفظی آن اشاره نموده‌اند. (فسنقری و کارآمد، ۱۳۹۶: ۱۹)

- «أَنَا لَا أُنْسِي أَيَادِيكَ عِنْدِي وَ سَتَرَكَ عَلَيَّ فِي دَارِ الدُّنْيَا».

"من فراموش نمی‌کنم نعمت هایت را بر من و عیب پوشیت از من در دار دنیا." (قمی، ۱۳۷۵: ۳۱۷)

"من فراوانی عطایت را نزد خود و پرده پوشی ات را در دنیا بر گناهانم فراموش نخواهم کرد." (انصاریان، بی تا: www.erfan.ir)

* «أَيَادِي» جمع کلمه «أَيْدِي» و معنای مجازی آن نعمت و عطا است به علاقه سببیه که آلت و سبب نعمت

می‌باشد. در ترجمه انصاریان و قمی به سبب بودن آیدای به درستی اشاره شده است.

- «اللَّهُمَّ أَعْطِنِي السَّعَةَ فِي الرِّزْقِ وَ الْأَمْنَ فِي الْوَطَنِ وَ قُرَّةَ الْعَيْنِ فِي الْأَهْلِ وَ الْمَالِ وَ الْوَلَدِ».

"خدایا عطایم فرما وسعت روزی و ایمنی در وطن و روشنی چشم درباره خانواده و دارایی." (قمی، ۱۳۷۵: ۳۲۲)

"خدایا از تو می‌خواهم که به من این امور را عطا کنی: گشایش در روزی، امنیت در وطن، نور چشم در

خانواده و مال و اولاد." (انصاریان، بی تا: www.erfan.ir)

* در این فراز «قُرَّة العین» کلمه قُرَّة مصدر فعل قَرَّه می‌باشد و قُرَّة العین مایسُرُ به الانسان و یطمئن، آن‌چه که به وسیله آن انسان شاد و خرسند می‌شود و اطمینان پیدا می‌کند (مسعود، ۱۳۸۳: ۵۴۱). اما انصاریان و قمی فقط به معنای تحت اللفظی آن بسنده نموده و به معنای کنایی آن اشاره ای نکرده اند.

- «فَإِنْ قَوْمًا آمَنُوا بِأَسْتِنْتِهِمْ لِيُخَفِّنُوا بِهِ دِمَاءَهُمْ».

"زیرا مردمی که ایمان زبانی دارند تا نگه دارند به سبب آن خون خود را." (قمی، ۱۳۷۵: ۳۱۶)

"چه این که مردمی به زبان‌شان ایمان آوردند تا جان‌شان را به این وسیله حفظ کنند. (انصاریان، بی تا: www.erfan.ir)

* در این فراز «دماء» مجاز از آنفسم است. در ترجمه قمی معنای تحت اللفظی واژه دماء لحاظ شده، اما در ترجمه انصاریان به مجاز بودن آن تصریح گشته است.

- «وَأَعْلَمُ أَنَّكَ لِلرَّاجِي بِمَوْضِعِ إِجَابَةٍ وَ لِلْمَلْهُوفِينَ بِمَرْصَدِ إِعَانَةٍ».

"و می‌دانم که تو برای امیدواران در جایگاه اجابتی و برای دل سوختگان در کمینگاه فریاد رسی هستی." (انصاریان، بی تا: www.erfan.ir)

"و می‌دانم که تو برای امیدواران در مقام اجابتی و برای گرفتار در جایگاه داد رسی می‌باشی." (قمی، ۱۳۷۵: ۳۰۶)

* در این فراز «مَرْصَد» از ریشه رَصَد به معنای رصد و کمین نشستن فرد یا حیوان یا ستاره ای می‌باشد که بعد از مدتی به آن هدف مورد نظر دست پیدا کند، معنای تحت اللفظی آن در ترجمه انصاریان، کمینگاه است ولی قمی آن را به جایگاه ترجمه کرده که منزلت و مقام الهی را یادآور می‌شود.

۳-۱-۲. قبض یا تقلیل نحوی

در این روش مترجم در کاربرد و بازگرداندن جایگزین واژه متن مبدأ در متن مقصد تلاش نکرده و به ترجمه نکردن بعضی از واژه‌ها پرداخته است. گارسس در الگوی خود قبض نحوی را به دلیل ترجمه نکردن برخی واژه‌های متن مبدأ از ویژگی‌های منفی ترجمه می‌داند (Garces, 1994: 90). نمونه‌های آن در ترجمه‌های دعای ابوحمزه ثمالی:

- «و أَبْوَابُ الدُّعَاءِ إِلَيْكَ لِلصَّارِحِينَ مَفْتُوحَةٌ».

"و درهای دعا به آستانت برای فریاد کنندگان باز است." (قمی، ۱۳۷۵: ۳۰۶)

"و درهای دعا را برای فریاد کنندگان گشوده می‌نگرم." (انصاریان، بی تا: www.erfan.ir)

* در ترجمه هر دو مترجم اشاره ای به «إلیک» در معنای به سوی تو که اشاره به خداوند دارد، نشده است. البته به نظر می‌رسد ذکر به آستانت در ترجمه قمی این نقص را تا حد زیادی برطرف کرده باشد.

- "وَلَا تَجْعَلْ شَيْئًا مِمَّا أَتَقَرَّبُ بِهِ"

"و قرار نده چیزی را که تقرب جویم بدان."، (قمی، ۱۳۷۵: ۳۲۲)

"قرار مده چیزی از آن چه به وسیله آن به تو تقرب می‌جویم." (انصاریان، بی تا: www.erfan.ir)

* کلمه مِمَّا که ترکیبی از (مِن + ما) می‌باشد به معنای از آن چه است که قمی آن را کاملاً در ترجمه اش حذف کرده ولی انصاریان آورده است.

۳-۱-۳. تغییر دیدگاه یا دگر بینی

اصطلاح دگر بینی به مفهوم تغییر از طریق اختلاف طرز تلقی و بیش تر طرز تفکر به کار می‌رود. کاربرد آن در مواردی است که زبان مقصد ترجمه تحت اللفظی را بر نمی‌تابد. در این روش مفهومی در زبان مبدأ به بیانی دیگر در زبان مقصد آورده می‌شود. نمونه‌هایی از تغییر دیدگاه را این گونه می‌توان برشمرد: بیان معلوم به جای مجهول، بیان عبارت منفی به عبارت مثبت و برعکس، تغییر فعل در زمان‌های مختلف، تغییر جملات خبری به استفهامی یا تعجبی و جز آن‌ها. (فرهادی، ۱۳۹۲: ۱۶۶). به مثال‌هایی از تغییر دیدگاه - که در الگوی گارسس امری مثبت است - در ترجمه دعای ابوحزمه ثمالی توسط انصاریان و قمی اشاره می‌شود:

- "وَكُلَّ بَلِيَّةٍ وَ الْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ"

"و هر بلا و هر زنگی آن چه عیان است از آن‌ها و آن چه نهان است." (قمی، ۱۳۷۵: ۳۲۵)

"و همه بلاها و زشتی‌های آشکار و پنهان." (انصاریان، بی تا: www.erfan.ir)

* در این فراز از دعا، قمی فعل ماضی (ظَهَرَ) به معنای آشکار یا ظاهر شد را به صورت اسم (عیان) به همراه فعل ربط (است) معنا کرده و هم چنین فعل (بَطَّنَ) به معنای مخفی و پنهان شد نیز در قالب همین ترکیب آمده و در ترجمه انصاریان نیز تنها به معنای آشکار و پنهان (اسم تنها بی اشاره به فعل ربط) ترجمه شده است.

- "وَاللَّهِ أَعْلَمُ أَنَّ سُورَةَ نَبِيِّكَ أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ سُورَةِ عَدُوِّكَ"

"و به خدا قسم می‌دانم که شادی پیامبرت بیش تر موجب دوستی توست از شادی دشمنت." (قمی، ۱۳۷۵:

۳۲۴)

"و به خدا سوگند این را می‌دانم که دلشادی پیامبرت نزد تو از خرسندی دشمنت محبوب تر است." (انصاریان، بی تا: www.erfan.ir)

در این فراز أحب که افعال تفضیل از ریشه (حَبَّ) به معنای دوست داشتنی تر است، در صورتی که قمی از دو واژه (بیش تر و دوستی) استفاده کرده، یعنی ترکیب (أَكْثَرُ + حَبَّ) می‌باشد. البته معنای تفضیل در هر دو ترجمه و در زبان مقصد به مخاطب منتقل می‌گردد با این تفاوت که در ترجمه قمی با بهره جستن از یک ترکیب و در ترجمه انصاریان با یک واژه انجام پذیرفته است.

۴-۱-۳. توضیح و بسط معنا

در این تکنیک معنای بخشی از متن که نیاز به تصریح در متن مقصد دارد بسط پیدا می‌کند. (نیازی و هاشمی، ۱۳۹۸: ۱۰۴)، یعنی مفهومی که در متن مبدأ به تلویح بیان شده است، باید در زبان مقصد به آن تصریح کرد (Garces, 1994: 81). در واقع ضمائر و اشاره‌های کنایی و مجازی که محذوف است در ترجمه بیان می‌شود. در اصل، تصریح هنگامی انجام می‌گیرد که اطلاعات متن مبدأ با صراحت و وضوح بیش‌تر به ترجمه انتقال می‌یابد (سیاحی و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۳).

نمونه‌های آن در ترجمه‌های دعای ابوحمزه ثمالی:

- "اللَّهُمَّ أَلْحِنِي بِصَالِحِ مَنْ مَضَى."

"خدایا ملحق نما مرا به شایستگان از مردم گذشته." (قمی، ۱۳۷۵: ۳۲۴)

"خدایا مرا به شایستگان از [بندگان] گذشته ات ملحق ساز." (انصاریان، بی تا: www.erfan.ir)

* مترجم‌ها برای فهم بهتر نسبت به متن مبدأ در ترجمه از تکنیک بسط استفاده کرده‌اند.

- "فَأَقْصَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُعْرِضًا عَنْكَ."

"پس دورم کردی یا شاید دیدی روگردانم از تو." (قمی، ۱۳۷۵: ۳۱۳)

"پس از [پیشگاهت] دورم ساختی یا شاید مرا روی گردان از خود مشاهده کردی." (انصاریان، بی تا:

www.erfan.ir)

* معادل پیشگاهت در متن مبدأ نیست و انصاریان برای وضوح متن در ترجمه از آن استفاده نموده است.

- "وَ أَمَرْتَنَا أَنْ لَا نُرَدَّ سَائِلًا عَنْ أُبُوَابِنَا."

"و به ما دستور دادی که رد نکنیم سائل را از خانه خود." (قمی، ۱۳۷۵: ۳۲۶)

"و نیز فرمان دادی که تهدستی را دست خالی از در خانه هایمان نرانیم." (انصاریان، بی تا:

www.erfan.ir)

* (أبواب) جمع مکسر (باب) به معنای درها است، قمی در ترجمه خود برای روشن شدن فحوای کلام

حضرت (خانه) را جایگزین این کلمه کرده است و انصاریان ضمن تصریح به جمع خانه با آوردن دست خالی،

سائل را توصیف و این گونه ترجمه را بسط و گسترش داده است.

۵-۱-۳. اشتباه در ترجمه

از اشتباهات مهم مترجمان در ترجمه این است که نکات مهم در زبان مبدأ را به اشتباه و با برداشت سطحی

از مفهوم آن به زبان مقصد انتقال می‌دهند. در این صورت تفاوت‌هایی که در اسلوب و نکات دستوری دو زبان

فارسی و عربی هست، مورد غفلت واقع می‌شود و نکات صرفی و نحوی در آیات قرآن و فرازهای دعا به درستی انتقال پیدا نمی‌کند و نادیده گرفته می‌گردد. نمونه‌های آن در ترجمه‌های دعای ابوحمزه ثمالی:

- "وَأَنَّ فِي اللَّهْفِ إِلَى جُودِكَ وَالرِّضَا بِقَصَائِكَ".

"و براستی می‌دانم در پناهندگی به جودت و خشنودی به قضایت." (قمی، ۱۳۷۵: ۳۰۶)

"و به یقین در اشتیاق به جودت و خشنودی به قضایت." (انصاریان، بی تا: www.erfan.ir)

* کلمه (اللهف) (يَتَحَسَّرُ بها على ما فات)، یعنی حسرت خورده می‌شود بر آن چه از دست رفته است و در واقع معنای (افسوس) می‌دهد که هر دو مترجم کاملاً در ترجمه خود آن را لحاظ کرده و تغییر داده اند. در صورتی که معنای درست افسوس و حسرت خوردن بر بخشش و کرم خداوند است که انسان از دست می‌دهد. (مسعود، ۱۳۸۳: ۵۹۴)

۶-۱-۳. تغییر نحو یا تعدیل صورت

«تغییر نحو ایجاد تغییرات ساختاری بدون تغییر مفهوم عبارت است. این شگرد در الگوی گارسس از تکنیک‌های مثبت به شمار می‌آید. در مواردی که زبان مبدأ معادلی در زبان مقصد ندارد یا حفظ ساختار باعث نازیبایی ترجمه شود، مترجم مجبور به استفاده از روش تغییر نحو می‌شود» (نیازی و هاشمی، ۱۳۹۸: ۱۰۷). نمونه‌های آن در ترجمه‌های دعای ابوحمزه ثمالی:

- "فَإِنَّ كَرَمَكَ يَجِلُّ عَنْ مُجَازَاةِ الْمُذْنِبِينَ وَ حِلْمَكَ يَكْبُرُ عَنْ مُكَافَاةِ الْمُقْصِرِينَ".

"زیرا کرم تو برتر است در مجازات گنهکاران و بردباریت بزرگ است از کيفر تقصير کاران." (قمی، ۱۳۷۵:

۳۰۸)

"زیرا کرمت برتر از کيفر گنهکاران و بردباریت بزرگتر از مکافات تبهکاران است." (انصاریان، بی تا:

www.erfan.ir)

* مترجم‌ها دو فعل زمان حال «يجلُّ» و «يكبُرُ» را به صورت اسم تفضیل ترجمه کرده‌اند. حلم معطوف به کرم اسم إنَّ و منصوب می‌باشد. در این جا واژه «مقصرین» به اشتباه ترجمه شده است و در اصل به معنای کوتاهی‌کنندگان است اما انصاریان به تبهکاران ترجمه کرده که معادل آن در عربی «مجرمین» می‌شود. البته (تقصیرکاران) معنای مبدأ را به مقصد منتقل می‌نماید. معادلی که قمی برگزیده و ترکیبی از مصدر عربی و اسم فارسی جمع است.

- "حَامِلًا ثَقُلَى عَلَى ظَهْرِي"

"با بار گناهی که بر دوش دارم" (قمی، ۱۳۷۵: ۳۱۸)

"در حالی که بار سنگینی را بر دوش می‌کشم." (انصاریان، بی تا: www.erfan.ir)

* کلمه حامل اسم فاعل از ریشه *خَمَلَ* به معنای حمل کننده است، اما هر دو مترجم آن را به شکل فعل مضارع (بر دوش دارم، بر دوش می کشم) ترجمه کرده اند. ترجمه اسم فاعل به صورت فعل.

- "اللَّهُمَّ أَنْتَ الْقَائِلُ وَقَوْلُكَ حَقٌّ".

"خدایا تو گفتی و گفته ات حق است." (قمی، ۱۳۷۵: ۳۰۷)

"خدایا تو گفتی و سخن تو به حق و راست است." (انصاریان، بی تا: www.erfan.ir)

* کلمه قائل که اسم فاعل از ریشه *قَوَلَ* به معنای گوینده یا کسی است که گفته ای بر زبان می آورد ولی هر دو مترجم قایل را به صورت فعل ماضی «گفتی» ترجمه کرده اند.

نتیجه گیری

- در بررسی و ارزیابی ترجمه‌های انصاریان و شیخ قمی از دعای ابوحمزه ثمالی باتوجه به مؤلفه‌های مدل گارسس در سطح نحوی-واژه ساختی (صرفی) نتایج زیر به دست آمد:
- ۱- ترجمه انصاریان تقریباً در بیش‌تر موارد ترجمه لفظ به لفظ شده که طبق نظریه گارسس به دلیل ارتباط ضعیف با زبان مقصد از موارد منفی ترجمه محسوب می‌شود، اما قمی سعی کرده در ترجمه خود از عبارات و مفاهیم قابل فهم و مطابق با شرایط زمانی استفاده کند و می‌توان گفت که او در این حوزه موفق‌تر از انصاریان عمل کرده است؛
 - ۲- در بحث قبض نحوی یا تقلیل معنا در دعای ابوحمزه ثمالی، هر دو مترجم تنها در مواردی اندک در قالب جار و مجرور دچار قبض نحوی و تقلیل معنا شده و تقریباً در انتقال معنای واژگان به زبان مقصد موفق بوده اند؛
 - ۳- در موضوع بسط نحوی نیز هر دو مترجم برای تصریح بیان در فرازهایی از دعا واژگان و مفاهیمی را افزوده اند که البته گاهی این صراحت در ترجمه قمی جلوه‌ای آشکارتر داشته و انصاریان به ندرت ملتزم به بسط نحوی در ترجمه شده است؛
 - ۴- در حوزه تغییر نحوی یا تبدیل صورت، تقریباً هر دو مترجم یکسان عمل کرده اند و اشتباهات انگشت شماری در ترجمه آن‌ها به چشم می‌خورد، اما قمی در بیان عبارات و فرازهایی از دعا موفق‌تر از انصاریان عمل کرده است.

منابع و مآخذ

۱. اقبالی، مسعود، ابراهیم نامداری (۱۳۹۷)، «نقد و بررسی ترجمه الهی قمشه ای و مکارم شیرازی از سوره مبارکه یوسف با تأکید بر نظریه صرفی و نحوی گارسس»، دو فصلنامه پژوهش‌های زبان شناختی قرآن، دانشگاه اصفهان، پاییز و زمستان، سال هفتم، شماره اول، صص ۱۳۷-۱۵۴.
۲. انصاریان، حسین (۱۴۰۰)، ترجمه دعای ابوحمزه ثمالی، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حسین انصاریان، مؤسسه فرهنگی دارالعرفان، www.erfan.ir.
۳. بابازاده اقدم، عسگر؛ بیژن کرمی میرعزیزی، ابراهیم نامداری و فاطمه مهدی پور (۱۳۹۸)، «تغییر بیان در سطح دستوری و واژگانی بر اساس مدل کارمن گارسس (مطالعه موردی: ترجمه‌های حداد عادل، معزی، انصاریان از جزء ۲۹ و ۳۰ قرآن کریم)»، دو فصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، دانشگاه علامه طباطبائی، پاییز و زمستان، سال ۹، شماره ۲۱، صص ۲۷۹-۳۰۵.
۴. حقانی، نادر (۱۳۸۶)، نظرها و نظریه‌های ترجمه، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۵. رحیمی خویگانی، محمد (۱۳۹۶)، «نقد واژگانی ترجمه موسوی گرمارودی از قرآن کریم (با تکیه بر سطح معنایی-لغوی گارسس)»، دو فصلنامه مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، بهار و تابستان، دوره ۴، شماره ۷، صص ۶۹-۹۴.
۶. رحیمی خویگانی، محمد؛ عسگر علی کرمی و حمید باقری دهبازز (۱۳۹۷)، «نقدی بر انتخاب‌های واژگانی محمد دشتی در ترجمه نهج البلاغه از منظر سطح معنایی-لغوی گارسس»، دو فصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، دانشگاه علامه طباطبائی، پاییز و زمستان، سال ۸، شماره ۱۹، صص ۹-۳۱.
۷. رشیدی، ناصر، شهین فرزانه (۱۳۹۲)، «ارزیابی و مقایسه دو ترجمه فارسی از رمان انگلیسی دون کیشوت اثر میگوئل دو سرائتنس براساس الگوی گارسس»، فصلنامه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، تابستان، سال پنجم، شماره ۱۵، صص ۴۱-۵۶.
۸. زمردیان شیرازی، احمد (۱۳۸۵)، عشق و رستگاری شرح دعای ابوحمزه ثمالی. چاپ چهارم، تهران: کتابفروشی اسلامیة
۹. سیاحی، صادق؛ محمود آبدانان مهدی زاده؛ محمود شکیب انصاری و معصومه تراوش (۱۳۹۵)، «اسلوب تصریح و تبیین در ترجمه قرآن»، دو فصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، دانشگاه علامه طباطبائی، بهار و تابستان، سال ۶، شماره ۱۴، صص ۴۲ - ۶۰.

۱۰. صیادانی، علی، سیامک اصغر پور و لیلا خیرالهی (۱۳۹۶)، «نقد و بررسی ترجمه فارسی رمان (قلب اللیل) با عنوان (دل شب) با الگوی گارسس»، دو فصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، دانشگاه علامه طباطبائی، بهار و تابستان، سال ۷، شماره ۱۶، صص ۸۷-۱۱۸.
 ۱۱. فرهادی، پروین (۱۳۹۲)، بررسی، نقد و ارزیابی ترجمه متون عربی (مطالعه نمونه ای: نقد و ارزیابی آثار ترجمه شده غسان کنفانی در ۳ بخش قصص، روایات و مسرحیات)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان عربی، دانشگاه تهران.
 ۱۲. فسنگری، حجت‌الله، راضیه کارآمد (۱۳۹۶)، «سبک‌شناسی دعای ابوحمزه ثمالی در دولایه نحوی بلاغی»، مجله زبان و ادبیات عربی، دانشگاه فردوسی مشهد، پاییز و زمستان، شماره ۱۷، صص ۱۷۳-۲۰۰.
 ۱۳. قمی، عباس (۱۳۷۵)، مفاتیح الجنان، چاپ نهم، تهران: کانون انتشارات پیام محراب.
 ۱۴. متقی زاده، عیسی، سیدعلاء نقی زاده (۱۳۹۶)، «ارزیابی ترجمه متون ادبی فارسی به عربی براساس مدل کارمن گارسس»، دو فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، دانشگاه علامه طباطبائی، بهار و تابستان، سال ۷، شماره ۱۶، صص ۱۶۹-۱۹۳.
 ۱۵. مختاری اردکانی، محمدعلی (۱۳۸۶)، استعاره ترجمه (مجموعه مقالات درباره ترجمه)، کرمان: دانشگاه شهید باهنر.
 ۱۶. مسعود، جبران (۱۳۸۳)، فرهنگ لغت رائد الطلاب عربی به عربی و عربی به فارسی، چاپ دوم، ترجمه عبدالستار قمری، تهران: انتشارات یادواره کتاب.
 ۱۷. نیازی، شهریار، انسیه سادات هاشمی (۱۳۹۸)، «بررسی میزان کارآمدی سطح نحوی-واژه ساختی الگوی گارسس در ارزیابی ترجمه قرآن کریم»، دو فصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، دانشگاه علامه طباطبائی، پاییز و زمستان، سال ۹، شماره ۲۱، صص ۹۵-۱۲۷.
18. Garces , carmen Valero (1994), “A methodological proposal for the assessment of ran slated literary works: A case study “. The Scarlet letter. Hawthorne into Spanish Babel , vol40. N 2.pp: 77-102.